

گره کوری که مهمان ناخوانده ایجاد کرد



صدیقی

در گره کور مهمان ناخوانده گیر افتاد و سر از زندان درآورد. روزگاری دور از چشم قانون به اعمال مجرمانه اش ادامه می داد و در خیال خودش زرتنگ بود و هر بار از تله می جست تا این که داستان عوض شد. به ادعای خودش دوست قاچاقچی اش او را با مواد در خانه تنها گذاشت که نتیجه آن زندان بود. حالا در زندان به کارهایش می اندیشد و می گوید: عاقبت قانون گریزی جز بدنامی و آوارگی نیست و پشیمانی سودی ندارد. در ادامه گفت و گوی خبرنگار ما را با مرد زندانی می خوانید.

به چه جرمی و چند وقت است که در حبس هستی؟

به جرم قاچاق و نگهداری مواد ۹ سال است که در زندان خواب آزادی را می بینم. البته مهمان ناخوانده، من را به این روز انداخت.

به دلیل قاچاق مواد چه حکمی برایت صادر شد؟

۱۵ سال حکم حبس برایم صادر شد. نمی دانم تحمل باقی مانده دوران حبس را دارم یا نه چون هر روز برایم حکم یک سال را دارد و خیلی عذاب آور است.

شغل ات چیست و آیا متاهل هستی؟
یک فرزند دارم. قبل از افتادن در کار خلاف، کشاورزی و برای مردم کارگری می کردم.

سابقه کیفری داشتی؟

نه. قبل از این یک بار به خاطر درگیری بازداشت و با پرداخت دیه و رضایت شاکی آزاد شدم.

چرا کشاورزی را رها کردی و به سمت قاچاق مواد رفتی؟

همه اش به خاطر فقر و طمع بود. قبل از این که وارد کار قاچاق شوم کشاورزی و گاهی برای مردم کارگری می کردم اما به خاطر خشکسالی و مشکلات مالی که برایم پیش آمد کشاورزی را رها کردم و برای کارگری راهی شهر شدم.

مدتی با کارگری زندگی ام را می گذراندم اما به دلیل بیکاری روز به روز بدهی ام بیشتر می شد.

باد آورده را باد می برد

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

بازداده را باز می گیرم

دیگر دخل و خرج همخوانی نداشت و مدام افکار پلید من را محاصره می کردند تا این که ورود به خانه فقط من را با مواد دستگیر کردند. مغلوب وواردبازی دوسرباخت قاچاق مواد شدم.

چگونه مواد قاچاق می کردی؟

به خاطر شرایط سخت به مواد پناه بردم و خودم را در لجنزار افیونی غرق کردم. از یک قاچاقچی هر بار مقداری مواد و یک روز سنتی و روز دیگر صنعتی می خریدم و آن ها را خردخرد می فروختم و با این کار روزگرم را می گذراندم. این بازی و قانون گریزی مدتی ادامه پیدا کرد تا این که به خاطر مواد دوستم در تور قانون گرفتار شدم.

گفتنی مواد مال تو نبود پس چطور زندانی شدی؟

(مدعی می شود): درست است که مواد خرید و فروش می کردم اما زمان دستگیری ام مواد مال من نبود. شبی یکی از قاچاقچیان با مقداری مواد مهمان من شد. او مواد را برای یک نفر دیگر آورده بود تا به او تحویل دهد که از شانس بدم خریدار نبود. چون محل زندگی دوست قاچاقچی ام دور بود به ناچار او شب در خانه من ماند تا صبح روز بعد خریدار بیاید.

نیمه های شب بود که ناگهان با سر و صدا متوجه ورود مأموران به خانه شدم. من شوکه شده بودم و دوست قاچاقچی ام از تاریکی استفاده کرد و قبل از دستگیری از پشت بام بدون گذاشتن ردی از خود پا به فرار گذاشت

صدیقی

بالاخره ماه از پشت ابر بیرون آمد و دست مرد فریبکار رو شد. او که با ترفندهای مختلف ازدواج دومش را از همسر و فرزندانش پنهان کرده بود اصلا فکر نمی کرد روزی توسط دخترانش غافلگیر و مشتش باز شود.

زن جوان که از رفتار دخترهای هویش شوکه شده و مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود، درباره ماجرای زندگی سراسر دلپره اش می گوید: آرایشگر بودم و به صورت مجردی زندگی می کردم و کاری به کار کسی نداشتم تا این که پای مرد عیال وار و پولدار به زندگی ام باز شد و من را به دردسر انداخت. نمی دانم چه شد که با پیشنهاد او برای عقد موقت آن هم به صورت پنهانی موافقت کردم. انگار از دوران مجردی خسته شده بودم.

بعد از عقد موقت زندگی زنشویی‌ام را با شوهر پنهان کارم آغاز کردم.

در این مدت شوهرم به صورت مخفیانه با من در ارتباط بود و هر بار برای عقد دائم وعده سر خرم می داد و می گفت هر چه زودتر من را به خانواده اش معرفی می کند اما هیچ کدام از این وعده ها به واقعیت تبدیل نشد و مدام در دلپره به سر می بردم. مدتی گذشت و خبرهای جسته و گریخته ای از برخی دوستانم شنیدم که زن و فرزندانش همسرم به ماجرا پی برده اند و انگار منتظر فرصت مناسبی

در شهر



خیابانی حادثه خیز در جاجرمد

معینی- خیابان شهید بهشتی یکی از خیابان‌های اصلی و پرتردد در جاجرمد است که در چند ماه اخیر با دو طرفه شدن آن به یکی از نقاط حادثه خیز این شهر تبدیل شده است. عرض کم و پارک خودروها در دو طرف خیابان تردد را مشکل کرده است و هر لحظه امکان برخورد با خودروی رو به رو وجود دارد که باعث نارضایتی شهروندان شده است.
طی چند وقت اخیر حوادث و تصادفاتی با دو طرفه شدن این خیابان رخ داده و با توجه به فرارگیری بیشتر مغازه ها و فروشگاه ها در این خیابان ساعات عصر و ظهر با شلوغی بالایی مواجه است به گونه ای که برخی کسبه برای بارگیری کالا‌های خود با مشکلاتی از جمله جای پارک مواجه هستند.

رازی که بر ملا شد

هستند. هر چند شوهرم زیر بار ازدواج نمی رفت و به همسر اولش می گفت همه این حرف و حدیث ها تهمت است اما می دانستم ماه هیچ وقت پشت ابر نمی ماند و چیزی جز آبروریزی نصب مان نمی شود. هر چقدر به شوهرم می گفتم تا دیر نشده یا ماجرا را به خانواده اش بگویم یا به این رابطه پنهانی پایان دهم اما زیر بار نمی رفت و می گفت همسر و فرزندانش هیچ وقت به ماجرا پی نخواهند برد. این ماجرا ادامه پیدا کرد تا این که روزی دخترهای هوویم به صورت پنهانی شوهرم را تعقیب کرده بودند و گویا می خواستند از راز پدرشان باخبر شوند. زمانی که شوهرم خانه را ترک کرد چند دقیقه بعد صدای زنگ به صدا درآمد. وقتی در را باز کردم ناگهان دو دختر شوهرم من را غافلگیر کردند و زیر مشتش و لگد گرفتند و کتک ام زدند.

دختران هوویم من را تهدید کردند هر چه زودتر از زندگی مادرشان بیرون بروم وگرنه بار دیگر به جای کتک کاری جانم را خواهند گرفت. بعد از این اتفاق شوک آور شوهرم را در جریان گذاشتم اما او از ترس عکس العمل همسر و دخترانش اصلا خودش را آفتابی نکرد و خیلی زود پشت من را خالی کرد. زمانی که دیدم منتظر ماندن فایده ای ندارد به دادگاه خانواده آمدم تا با کمک مشاوران راهی برای خارج شدن از این بن بست پیدا کنم و به زندگی عادی برگردم و اگر نشد راه جدایی را در پیش بگیرم.

خبر

دستگیری شکارچی متخلف

صدیقی- یک شکارچی متخلف حین شکار دستگیر شد. به گفته رئیس اداره حفاظت محیط زیست گرمه، شکارچی غیر مجازی که به شلیک گلوله در ارتفاعات کوه بهار اقدام کرده بود توسط ماموران یکان حفاظت محیط زیست شهرستان که در حال گشت و کنترل بودند، رصد و طی تعقیب و گریز طولانی دستگیر شد. «صفرزاده» افزود: از متخلف یک قبضه سلاح شکاری، ۱۰ عدد فشنگ و چهارپاره، یک عدد قطار فشنگ، چهار عدد گوشه و سایر ادوات شکار کشف و ضبط شد.

تلنگر

مجازات فروش مال غیر

مطابق ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری، مجازات این عمل حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که دریافت کرده و رد مال به صاحبش است و اگر مرتکب از کار کتان دولت باشد به انفصال اید از خدمات دولتی محکوم خواهد شد و اگر متهم بنا به دلایلی مستحق تخفیف باشد مانند رضایت شاکی خصوصی از کپولت سن دادگاه نمی تواند مجازات حبس او را از یک سال کمتر کند.

برای تعقیب مرتکبان این جرم به چه مرجعی باید شکایت کرد؟

اصولاً دادرسی عمومی و انقلاب مرجع صالح برای تعقیب مرتکبان این جرم است و باید به دادرسی شکایت کرد که جرم در حوزه آن واقع شده یعنی عمل فروش یا انتقال مال غیر، پس چه بسا ملک در حوزه قضایی آبادان و عمل فروش و انتقال در حوزه قضایی اصفهان صورت گرفته باشد در این حالت دادرسی عمومی و انقلاب اصفهان مرجع صالح برای تعقیب متهم است.

چگونگی شکایت از مرتکی که متواری شده است؟

دادرسی عمومی و انقلاب محل وقوع جرم، صلاحیت رسیدگی به این جرم را دارد و محل اقامت متهم و این که اکنون وی در کجا به سر می برد موثر در مقام نیست و در صورتی که متهم متواری باشد دادرسا وی را در هر نقطه که باشد از طریق اعطای نیابت قضایی جلب می کند. اگر به هر دلیلی جلب متهم ممکن نشد، دادرسا با شکایت شاکی و بررسی دلایل و احراز توجه اتهام به فرد متواری با تنظیم کیفرخواست متهم را به میز محاکمه می کشانند و دادگاه به صورت غیابی او را محاکمه خواهد کرد.

منبع: معاونت فرهنگی دادگستری کل استان

آگهی تغییرات شرکت بازرگانی بین المللی نوشین نصر شرکت سهامی خاص به شماره ثبت

۴۵۹۶ و شناسه ملی ۰۲۲۴۸۵۰۰۴۰۰۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ۱۳۹۷/۱۰/۰۵ تصمیات ذیل اتخاذ شد:
- اعضای هیئت مدیره به قرار ذیل انتخاب گردیدند:
- خانم زهرا نصرتی به شماره ملی ۰۶۸۰۲۵۴۴۹۸ و خانم زهرا رحمانی به شماره ملی ۰۶۷۰۶۲۴۲۲۱ و خانم فاطمه نوری سرخو و شماره ملی ۰۶۷۰۷۱۱۴۰۳ برای مدت باقیمانده تصدی (تا تاریخ ۱۳۹۸/۱) انتخاب گردیدند.

مهر/ ۵۸۴۱۱۲ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری بجنورد

۹۸۰۷۵۷۶۶

آگهی تغییرات شرکت آریانا سازه پارس خاور شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۵۰۰۹ و

شناسه ملی ۰۶۵۳۶۰۶۵۳۱۴۰۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۱۰ تصمیات ذیل اتخاذ شد:
- اعضای هیئت مدیره به قرار ذیل انتخاب گردیدند:
- آقای احمدرضا اصغرزاده به شماره ملی ۰۶۸۲۶۳۸۱۳۷ و آقای محمد ربیعانی به شماره ملی ۰۶۸۲۴۵۰۷۲۳ و آقای مصطفی قربچانلوئی به شماره ملی ۰۶۸۲۵۷۵۹۶۸ برای مدت باقی تصدی (تا تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۱) انتخاب گردیدند.
- آقای امیرحسن خانی به شماره ملی ۰۶۷۰۵۵۱۵۲۱ به سمت بازررس اصلی و آقای احمد صفاری به شماره ملی ۰۶۷۰۰۱۷۶۲۰ به سمت بازررس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.

مهر/ ۵۸۴۴۳۱ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری بجنورد

۹۸۰۷۵۷۲۵

تأسیس شرکت تعاونی سرمد مفخم تسهیل گران بیژن یورد

درتاریخ۱۳۹۸/۰۵/۰۸ به شماره ثبت ۵۸۳۶ به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۵۰۸۰۰۶ ثبت و امضاذیل دقآتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد.
موضوع: تسهیل در راه اندازی - خدمات آموزشی - مشاوره آموزشی - مشاوره گروه ها - خوشه های کسب و کار - تأسیس نهادهای اختصاصی واقتصادی-صندوق های روستایی و محلی شهری ازقبیل تعاونی ها، تولیدی و توزیعی شماره مجوز۳۳۷۸ تاریخ۱۳۹۸/۰۳/۰۲ اداره تعاون و کار و رفاه اجتماعی شهرستان بجنورد
مدت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود
مرکز اصلی: استان خراسان شمالی، شهرستان بجنورد، بخش مرکزی، شهر بجنورد،استادیوم، کوچه ((علی نیازی))، کوچه تختی ۶ (سیدار ۵)، پلاک ۲۷، طبقه همکف، کدپستی ۹۴۱۶۷۴۱۷۷۹ سرمایه شخصیت حقوقی: ۱۴۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال می باشد.
مبلغ ۱۴۰۰۰۰۰۰۰ ریال سرمایه اولیه شرکت می باشد، که طی گواهی شماره ۹۸۰۷۱۷-۹۸۰۴/۶ به بانک توسعه تعاون توسط اعضاء بصورت نقدی پرداخت میگردد.اولین مدیران: آقای عبدالله کمایستانی به شماره ملی ۰۷۹۳۳۷۶۹۱۲ و به سمت رئیس هیئت مدیره و به سمت مدیرعامل به مدت ۳ سال
آقای عباس احسنی به شماره ملی ۰۸۲۹۸۱۹۱۵۰ و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت ۳ سال، آقای محسن ثوابی به شماره ملی ۵۲۴۰۱۰۲۰۸۲ و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۳ سال، آقای محمدرضا نیازی به شماره ملی ۰۷۵۰۰۰۶۲۳۹۸ و به سمت عضو هیئت مدیره - عضو علی البدل به مدت ۳ سال، آقای حسن صادقی به شماره ملی ۵۹۱۹۸۹۷۴۹۱ و به سمت عضو هیئت مدیره - عضو علی البدل به مدت ۳ سال.
دارندگان حق امضا: کلیه قراردادها و اسناد رسمی و تعهد آور بانکی از قبیل چک، سفته، پروات و اوراق بهادار یا امضای آقای عباس احسنی (نائب رئیس هیئت مدیره) به اتفاق آقای عبدالله کمایستانی مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره و مهر شرکت/اتحادیه دارای اعتبار است و اوراق عادی و نامه‌ها با امضای آقای عبدالله کمایستانی (مدیرعامل) و مهر شرکت معتبر خواهد بود.
روزنامه خراسان شمالی جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.
بازرسین شرکت برای مدت یک سال مالی به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای مصطفی عظیمی به شماره ملی ۵۹۱۰۰۵۶۰۹۳ به سمت بازررس اصلی آقای حسین اسماعیلیان تیکتالو به شماره ملی ۶۳۵۸۵۲۰۹۴ به سمت بازررس علی البدل.
اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه (ثبت موضوع فعالیت و صدور آگهی تأسیس به مترله بصور پروانه فعالیت نمی باشد)

مهر/ ۵۸۴۹۱۱ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی - اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیر تجاری بجنورد

۹۸۰۷۶۰۰۲۵